

تفسیر تطبیقی آیه سُکر

فاطمه وجدی سیس*

عبدالله موحدی محب**

چکیده

آیه شریفه «سکر» از سوی فقها در زنجیره آیات تحریم شراب قرار گرفته است. بی گمان تحریم شراب طی نزول آیات گوناگون اتفاق افتاده است، اما این ادعا که آیه شریفه سکر ناظر به یکی از مراحل تحریم شراب است، از پشتوانه علمی برخوردار نیست؛ معنای لغوی واژه «سکر» منحصر در مستی به واسطه شراب نیست؛ زیرا ریشه آن بر مانع شدن و توقف در جریان طبیعی باد و حرارت دلالت دارد که طبعاً توقف در تعقل و تفکر به واسطه شراب یکی از موارد آن است. روایات معتبر وارده پیرامون آیه شریفه نیز بیانگر کراهت کسالت چرت و خواب در هنگام نماز است. از طرفی شأن نزول های وارده در برخی از تفاسیر مبنی بر شرب خمر توسط صحابه کبار، قابل استناد نیست؛ بدین روی آیه شریفه ناظر به انواع مستی ها و کسالت ها اعم از مستی شراب و کسالت چرت بوده و قرار داشتن آن در زنجیره آیات تحریم شراب، امری اجتهادی و قابل خدشه است.

واژگان کلیدی

آیه ۴۳ نساء، آیه سکاری، نماز، تحریم شراب.

* دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

vajdi_akram@yahoo.com

movahhedimoheb@gmail.com

** دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۶

طرح مسئله

یکی از نکات مهم در تفسیر آیات قرآن کریم، شناخت جایگاه صحیح آیه در میان آیات مشابه است. گاهی آیه شریفه، سفارش گر کلی برای هدایت انسان است؛ اما مفسر با استناد به شواهدی که چه بسا در سنجه علمی چندان معتبر نیست، آن را فقط ناظر به موضوعی خاص معرفی می‌نماید. آیه شریفه «سکر» که در مجموعه آیات تحریم شراب قرار داده می‌شود، حاوی یک پیام کلی است، بدین‌سان که مؤمنان باید در زمان عبادت خدای متعال نشاط و سرزندگی داشته باشند و از هر عامل مست‌کننده و کسالت‌آور، دوری گزینند. با بررسی شأن نزول‌ها، ریشه واژگان و روایات مرتبط، می‌توان به بررسی پاره‌ای از ابهام‌ها و پرسش‌هایی پیرامون آیه شریفه، پرداخت؛ مانند:

۱. مفهوم واژه «الصلاة» در آیه شریفه چیست؟
۲. منظور از واژه «سکر» چیست و آیه شریفه ناظر به کدام نوع مستی است؟
۳. صحت و اعتبار شأن نزول‌های آمده در تفاسیر اهل سنت تاچه حد است؟
۴. قرار دادن آیه شریفه در زنجیره آیات تحریم تدریجی شراب تا چه میزان از اعتبار علمی برخوردار است؟
۵. ادعای نسخ آیه شریفه با آیه تحریم شراب یا آیه وضو تا چه حد مستند است؟

مفردات آیه

سکر: بر وزن «قفل» ضد هوشیاری و دارای انواعی مانند: مستی شراب، مستی مال و مستی سلطنت است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۳۰۹)

ریشه «سکر» بر حیرت دلالت دارد و در آیه «إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا» به معنای سحر است. «السکر»: یعنی بند آمدن آب، زمانی که آب می‌ایستد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۸۹) حالتی است که در آن، میان انسان و عقلش سد ایجاد می‌شود و - سکر - همان سد و بند است؛ یعنی درمستی میان انسان و آب حیاتی‌بخش عقل سد ایجاد می‌شود. خدای تعالی گوید: «إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا» (حجر / ۱۵) که گفتند ندیدن و بسته شدن چشمان یا از سد شدن جلوی دیدگان است یا از سکر و مدهوشی. کَلَيْلُهُ سَاكِرَةٌ شَبِي سَاكِنٍ وَ أَرَامٍ (بادی نمی‌وزد). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۶)

اصل در کلمه «سکر» مانع شدن در جریان طبیعی به خاطر به وجود آمدن جریان خلاف است و از مصادیق آن سکر حاصل از جریان باد و حرارت به خاطر توقف حرکت هوای طبیعی

است. بسته شدن جریان آب و تنفس و همچنین سکر حاصل در جریان تعقل و تفکر نیز از همین باب است. مستی از شراب و امثال آن زمانی است که نظام عقل مختل می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵ / ۱۶۰)

درباره «صلاه» در آیه شریفه دو دیدگاه وجود دارد:

الف) مقصود از «صلاه» در آیه شریفه «مسجد» است، به دلیل:

۱. عبد الله، سعید بن مسیب، ضحاک، عکرمة و حسن می‌گویند: یعنی نزدیک جایگاه نماز مثل مساجد و غیر آنها نشوید. چنان که «صَلَوَاتُ» در آیه ۴۰ سوره حج، به معنای اماکن نماز است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۵۷)

۲. اصحاب شافعی معتقدند: به کار بردن لفظ قرب و بعد برای «صلوه» صحیح نیست.

(فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۶)

۳. در «لا عابری سبیل» مراد، گذشتن از درون مساجد است. (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۵۱)

۴. مراد از «صلاه» در این آیه مکان صلات به حذف مضاف؛ یعنی مواضع الصلاه یا از قبیل

ذکر حال و اراده محل؛ یعنی مساجد است. (همان)

۵. مقصود این است که بفهماند شما در حال نماز روبه‌روی مقام عظمت و کبریایی خدا قرار

دارید و با رب العالمین سخن می‌گویید، پس صلاح نیست که در این حال مست باشید و عقل خود

را با پلیدی شراب باطل کنید و نفهمید چه می‌گویید و این معنا اقتضا می‌کند بفرماید در حال

مستی به نماز نزدیک نشوید، اما از آنجایی که به حسب سنت بیشتر نمازها در مسجد واقع

می‌شود، تا به جماعت انجام شود، چنین فرموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۶۰)

ب) منظور از «صلاه»، نماز است. دلایل قایلین به این قول این است که:

۱. نماز اقوال مخصوصی دارد که شراب و بیهوشی مانع از به‌جای آوردن آن می‌شود، ولی

مسجد چنین شرایطی ندارد. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۶)

۲. در آیه حج بعد از ذکر «صلوات»، «مساجد» ذکر فرموده و اگر مراد از صلوات، مساجد

بود، تکرار آن جایز نبود، بلکه عطف دلیل بر مغایرت است، پس مراد نمازها است. (طیب، ۱۳۷۸:

۴ / ۸۸)

مقتضای تامل در مدعی‌ها و دلایل دو دیدگاه، ترجیح دیدگاه دوم است، چنان‌که بازگشت

بیان علامه طباطبایی را نیز می‌توان همین منظر دانست.

دیدگاه‌های مطرح شده درباره واژه «سکر»

۱. مستی شراب

دلایل قایلین به این قول به ترتیب زیر است:

- شأن نزول

اغلب تفاسیر اهل سنت شأن نزول‌هایی پیرامون آیه شریفه ذکر می‌کنند. مقاتل بن سلیمان بلخی می‌نویسد:

زمانی که این آیه نازل شد پیامبر فرمود: خدای تعالی شراب را بر ما حرام فرمود و شأن نزول آن این است که عبدالرحمن بن عوف طعامی تهیه نمود و ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنه و سعد بن ابی‌وقاص را دعوت نمود. همگی از آن خوردند و سپس شراب نوشیدند بعد علی رضی الله عنه امام جماعت شد و سوره کافرون را اشتباه خواند. سپس خدای تعالی درباره علی رضی الله عنه و یارانش این آیات را نازل فرمود. (بلخی، ۱۴۲۳: ۱ / ۳۷۴)

طبری دو روایت قریب به مضمون فوق می‌آورد؛ یکی به نقل از عبدالله بن حبیب و دیگری را به واسطه همین راوی از امیرمؤمنان رضی الله عنه این دو روایت با هم تفاوت‌هایی دارد. (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۶۱) در برخی از روایات، اصل ماجرا بدون اینکه از فرد خاصی نامی به میان آمده باشد، نقل شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۱۲)

با استناد به این روایات، همه مفسران اتفاق نظر دارند که این آیه درباره شرب خمر نازل شده است و سبب نزول معین دارد. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۷)

سیوطی با روایت ابن‌المنذر از عکرمه همین شأن نزول را بیان می‌کند با این تفاوت که امام جماعت، سوره را درست خوانده و بعد از اتمام آن، آیه‌ای بدان افزوده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۶۵) در روایتی دیگر، ابن‌المنذر از محمد بن کعب القرضی، همین ماجرا را نقل می‌کند در حالی که امام جماعت را رسول خدای صلی الله علیه و آله می‌داند. همین راوی (ابن‌المنذر) از علی رضی الله عنه روایت می‌کند که فرمود: «سه تن بودیم که شراب خوردیم و عبدالرحمن بن عوف امام جماعت شد و سوره کافرون را اشتباه خواند.» (همان)

بررسی دلیل اول

۱. شأن نزول‌ها، درباره زمان و سبب نزول دارای اختلاف است. همچنین تعداد و نام افراد

دعوت شونده به شراب و امام جماعت در این ماجرا روشن نیست و نقل‌ها درباره ایشان متفاوت است. درباره این موضوع که کدام آیه شریفه سوره مبارکه کافرون تحریف شده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از روایات نیز بیانگر تحریف به زیادت در این سوره است. ترمذی روایت کرده که دعوت‌کننده، عبدالرحمن بن عوف بوده است و علی رضی الله عنه امام جماعت بود. ابو داوود روایت کرده که دعوت‌کننده، مردی از انصار، و عبدالرحمن بن عوف از جمله دعوت‌شدگان بوده است. ابن جریر طبری در تفسیر خود و سیوطی در *الدرّ المثور* گفته‌اند: امام جماعت عبدالرحمن بن عوف بوده است. همچنین در *الدرّ المثور* آمده است: آیه درباره ابوبکر، عمر، علی، عبدالرحمن و سعد نازل شده و دعوت‌کننده، علی رضی الله عنه بوده است. همان‌گونه که روایات درباره دعوت‌کننده و نیز امام و مأموم اختلاف دارند، درباره آیه‌ای که مورد تحریف قرار گرفته نیز با روایات متضاد و مختلفی وجود دارد؛ به‌عنوان مثال یک روایت می‌گوید: امام جماعت گفت: «أعبد ما تعبدون» و روایت دیگر می‌گوید: امام جماعت چنین قرائت کرد: «لیس لی دین». (بلاغی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۱۶)

۲. اگر درست باشد که گروهی از صحابه شراب نوشیده‌اند و امامشان در نماز خود دچار اشتباه شده است آنها کسانی هستند که به خدا شرک ورزیدند، بت پرستیدند، شراب نوشیدند و در دوران جاهلیتی که در آن پدید آمده و پرورش یافته بودند حرام خوردند، و علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه نمی‌تواند جز آنان باشد؛ زیرا او در دامن پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله پرورش یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله از همان دورانی که حضرت علی رضی الله عنه کودک بود، تربیت و تهذیب او را به عهده گرفت و آن‌گونه که می‌خواست، وی را تربیت کرد.

ممکن است گفته شود: این سخن از روی تعصب اعتقادی است، نه از واقعیت. پاسخ آن این است که حکمی که بر واقعیت شخص و پرورش او متکی است، از حقیقت و واقعیت الهام می‌گیرد، نه از عاطفه و عقیده. (همان)

۳. راویان این‌گونه شأن نزول‌ها افرادی هستند که چندان اعتمادی به حدیث ایشان نیست. اغلب این روایات از ابی‌عبد‌الرحمن السلمی است. او بعد از جنگ صفین از دشمنان امیرمؤمنان رضی الله عنه گردید و به یاران معاویه پیوست. (همان) راوی دیگر عکرمه بوده که نسبت کذب به او در زمان حیاتش رواج داشت و شاید در زمان استادش ابن‌عباس هم بوده است. چون در روایات به صراحت وارد شده که عکرمه در مقابل این تهمت از خودش دفاع کرده و ابن‌عباس نیز آن را منکر شده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۲۱)

- «بی‌هوشی» در مستی شراب

سکر به معنای بی‌هوشی از ناحیه امور دیگر از جمله خواب، از باب استعمال لفظ به صورت مجاز است و برای همین است که با قید آورده می‌شود. «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ». (ق / ۱۹) (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۸۷)

بررسی دلیل دوم

این مطلب کلیت ندارد. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا سَكْرَتُ أَبْصَارِنَا» (حجر / ۱۵) در این آیه شریفه واژه «سکر» بدون قید آورده و به معنای مستی شراب نیست.

- عدم صحت نماز در حال مستی

وجه دلالت آیه بر عدم صحت نماز در حال مستی آن است که آیه شریفه، نهی از نماز گزاردن در حال مستی است و نهی در عبادت مقتضی فساد است، چنان که در علم اصول مورد بحث قرار گرفته، اما مراد از سکر و مستی در اینجا نشاط و طربی است که در اوایل مستی عارض می‌شود، نه مستی حقیقی که زوال عقل است تا متوجه نشود، چرا که مستی حقیقی غفلت است و تکلیف غافل قبیح است، چنان که در اصول مقرر است. (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۵۰)

برخی گفته‌اند: مراد از «سکاری» سکر نوم است، این مطلب نیز تمام نیست؛ زیرا اگر سکر نوم باشد باید نهی را حمل بر کراهت نمود و این خلاف ظاهر بلکه نص آیه است، پس مراد، سکر خمر است و در حال مستی نماز باطل است. (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۸۸)

البته با توجه به اینکه اوقات پنج‌گانه نماز - به‌ویژه مخصوصاً در آن زمان که معمولاً در پنج وقت انجام می‌شد - فاصله چندانی با هم ندارند، خواندن نماز در حال هوشیاری، لازم‌ه‌اش این است که در فاصله این اوقات از نوشیدن مایعات مست‌کننده به کلی صرف‌نظر شود؛ زیرا غالباً مستی آن تا هنگام نماز ادامه می‌یابد و حالت هوشیاری پیدا نمی‌شود، بنابراین حکم آیه فوق شبیه یک تحریم همیشگی و مستمر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۹۶)

بررسی دلیل سوم

عدم صحت نماز انحصار در مستی توسط شراب ندارد؛ بلکه هر مانعی که موجب غفلت انسان از نماز گردد، به‌گونه‌ای که فرد نداند چه می‌گوید، از عوامل بطلان نماز است.

۲. مستی خواب

دلایل مفسرانی که این دیدگاه را برگزیده‌اند، چنین است:

الف) استناد به روایات: امام باقر علیه السلام فرمود: در حالی که کسل و خواب آلوده و سنگین هستی، به نماز نایست. همانا این کار جزئی از نفاق است و خدای تعالی مؤمنین را از برپایی نماز در حالت سکاری؛ یعنی در حالت مستی خواب برحذر داشته است. قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا». (نسا / ۱۴۲) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۹۹)

از معصوم علیه السلام درباره آیه شریفه سکر سؤال شد. ایشان فرمود: منظور از «سکر» خواب است. نه آن‌گونه که مردم می‌پندارند؛ زیرا مؤمن شراب نمی‌نوشد و مست نمی‌شود. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۴۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۵۳) از ضحاک و ابن عباس نیز روایاتی در تفسیر «سکر» به معنای خواب آمده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۶۵)

ب) نزول آیه قبل از تحریم خمر: روایاتی از طریق اهل سنت نقل شده و تصریح دارد به این‌که این آیه قبل از تحریم خمر نازل گردیده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۶۱) ممکن است روایات ناظر باشد به این‌که مراد از آیه، نهی از نماز خواندن در حال کسالت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۵۹)

علامه طباطبایی در توضیح روایاتی که نزول این آیه را قبل از تحریم شراب می‌داند، می‌نویسد:

جا دارد این روایت حمل شود بر این‌که مراد از تحریم شراب، توضیح تحریم آن است و گرنه روایت عیبی پیدا می‌کند، که نمی‌توان به آن اعتنا نمود و آن این است که مخالف با کتاب خدا خواهد بود، برای این‌که آیه سوره اعراف شراب را به صراحت به عنوان اثم تحریم کرده و آیه بقره تصریح می‌کند به این‌که در خمر اثمی بزرگ است، بنابراین معلوم می‌شود که شراب قبل از هجرت در مکه تحریم شده بوده؛ چون سوره اعراف در مکه نازل شده، و احدی در این‌که آیه مورد بحث؛ یعنی آیه سوره نسا در مدینه نازل شده است اختلاف نکرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۵۹)

بررسی

شکی نیست که آیه سکاری قبل از تحریم شراب نازل شده است، اما دیدگاه علامه درباره تحریم شراب در مکه با نزول آیه اعراف محل تأمل است؛ زیرا سوره اعراف، حکم کلی همه زشتی‌ها را بیان می‌فرماید و ذکر آن از شراب در آن به میان نیامده است «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

مِنْهَا وَمَا يَطْنَنَّ؛ (اعراف / ۳۳) بدین روی دلیل قانع کننده‌ای برای قرار دادن آن در سلسله آیات تحریم شراب وجود ندارد.

۳. هر نوع مستی و کسالت

الف) استناد به معنای لغوی واژه «سکر»: با توجه به ریشه و کاربردهای این واژه که در ابتدای بحث به آن اشاره شد، می‌توان گفت: سکر لزوماً در معنای مستی توسط شراب نیست و بیهوشی ناشی از هر امری می‌تواند مد نظر باشد.

ب) استناد به روایات: چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «سکر» چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب و مستی فرمانروایی. (صدوق، ۱۳۶۲: ۲ / ۶۳۶)

بررسی دلایل دیدگاه سوم

گرچه این‌گونه روایات به جهت تفسیر آیه شریفه نیامده است؛ اما مجموع این روایات و معنای لغوی واژه «سکر» می‌تواند موید این معنا باشد که واژه سکر منحصرأً به معنی شراب نیست.

جایگاه سکر در آیات تحریم شراب

آیا می‌توان آیه شریفه «سکر» را در زنجیره آیات تحریم شراب قرار داد؟

گروهی از مفسران در این باره می‌نویسند:

خدای تعالی در خمر چهار آیه فرستاد، «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا...» معاذ بن جبل و جماعتی از صحابه در این باره به رسول خدا صلی الله علیه و آله مراجعه کردند، خدای تعالی این آیه را فرستاد: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...» جماعتی دست برداشتند و برخی دست برداشتند، تا روزی که عبد الرحمن بن عوف مهمانی کرد و طعامی فراهم نمود و جماعتی را حاضر کرد. چون طعام خوردند، به ایشان شراب خوراند و این زمانی بود که خمر هنوز حلال بود. پس خدای تعالی این آیه را فرستاد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» چون این آیه آمد، عده‌ای دیگر دست برداشتند، تا روزی که یکی از جمله مسلمانان خمر خورد، [چون مست شد] کشتگان بدر به یادش آمد، برایشان گریست و اشعار نامربوطی خواند. این حدیث به رسول صلی الله علیه و آله رسید، رسول صلی الله علیه و آله برخاست و آمد و خواست تا او را بزند، آن فرد، عذر خواست و توبه کرد. بار دیگر حمزه مست گردید

و شکم شتر حضرت علی علیه السلام را در مستی پاره کرد. بار دیگر، سعد بن ابی وقاص در حال مستی به شعر خواندن و مفاخرت پرداخت. سعد در آن میانه قصیده‌ای خواند که در آن دشنام به انصاری بود. مرد انصاری برخاست و استخوان برداشت و بر سر سعد زد و سر او شکست. او به شکایت به رسول آورد، یکی از صحابه گفت: اللَّهُمَّ بَيْنَ لَنَا بِيَانَا شَافِيَا فِي الْخَمْرِ؛ بار خدایا! ما را بیانی شافی در باب خمر کن، خدای تعالی آیه سوره مائده را فرستاد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...» و خمر حرام شد. (رازی، ۱۴۰۸: ۳ / ۲۰۶)

برخی از مفسرین، آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ» (اعراف / ۳۳) را حلقه دوم این زنجیره می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۱۷)

بررسی زنجیره آیات تحریم شراب

آیه اول: مفسرین، آیه شریفه «تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا» (نحل / ۶۷) را اولین حلقه سلسله آیات تحریم شراب قرار داده‌اند. طبق روایتی از سعید بن یسار از ابی‌عبدالله علیه السلام این آیه شریفه با آیه سوره مبارکه مائده نسخ گردیده است. (عباشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۶۳) همچنین روایاتی از اهل سنت بر این مطلب دلالت دارد. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۹۲)

بررسی

به دلایل زیر این آیه شریفه را نمی‌توان در سلسله آیات تحریم خمر قرار داد. الف) قرار گرفتن آیه در مجموعه آیات توحیدی: کسانی که خواسته‌اند از این آیه استفاده کنند که شراب انگور و خرما حلال است، به‌خطا رفته‌اند؛ زیرا خدای متعال، فقط کارهای مردم را بیان می‌کند و استفاده‌هایی که آنها از خرما و انگور می‌کنند را برمی‌شمارد. بدیهی است که از این بیان، استفاده نمی‌شود که شراب حلال است. در حقیقت، خدای تعالی، خبر می‌دهد که این میوه را آفریده است، تا مردم از آنها استفاده کنند، در این حال بهره‌هایی که مردم از این میوه می‌برند، ممکن است حلال یا حرام باشد. (طبری، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۷۲)

این آیه شریفه بیانگر آن نیست که مسکرات، حلال و مباح است، یا عمل تهیه مسکرات از میوه‌ها کار خوبی است، بلکه آیه دلالت بر زشتی این کار دارد؛ زیرا شراب گرفتن را در مقابل اتخاذ رزق خوب قرار داده، تا بفهماند شراب رزق حسن نیست، اما اگر این دلالت را قبول نکنیم آن را نیز قبول نداریم؛ زیرا اصلاً آیه شریفه در مقام بیان حلال و حرام نیست، بلکه در این مقام

است که منافعی را که بشر آن روز از این میوه‌ها می‌بردند بشمارد، و بفرماید همه این انتفاع‌ها از نعمت‌های خدا است و از ذکر آن نتیجه توحید را بگیرد؛ چون آیه شریفه در مکه نازل شده و خطابش به مشرکین است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۹۰)

ب) منسوخ نبودن آیه شریفه: این آیه نسخ نشده است؛ زیرا منظور از شراب در اینجا نوشیدنی حلال است نه هر نوشیدنی. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۹۳) نیازی نیست ملتزم به نسخ آیه شریفه شویم؛ زیرا خدای تعالی در مقام بیان منافع اشیا بوده و مخاطبش مشرکان بوده است. از طرفی با مقابل قرار دادن شراب و رزق حسن اشاره به حرام بودن آن کرده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۳۵)

استناد به روایات نسخ نیز صحیح نیست؛ زیرا روایت عیاشی تنها از طریق سعید بن یسار وارد شده است که توصیفی از او در کتب رجالی وجود ندارد.

آیه دوم: آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ» (اعراف / ۳۳) خطاب به پیامبر ﷺ است که به کفار و مشرکین بفرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ»، «إِنَّمَا» از ادات حصر است؛ یعنی محرمات الهی منحصر است به فواحش؛ یعنی کارهای زشت و قبیح که در نظر هر عاقلی قبح و زشتی آن معلوم است و آنها هم دو قسم است؛ قبیح ظاهریه که افعال قبیحه مثل زنا، فحش، غیبت، ظلم، اذیت، نامی، سعایت، ساز، آواز، رقص و امثال اینها است که عقلاً آن را مذموم می‌دانند و قسم دیگر قبیح باطنیه است که اخلاق رذیله و صفات خبیثه است؛ مثل کبر، عجب، بخل، عناد، عصبیت، حسد و امثال آنها که مفاد «مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» است. از اینها به قبیح عقلیه تعبیر می‌کنند و به قاعده «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» شرعاً حرام است و مورد نهی شرعی است. مقصود از «وَ الْإِثْمَ» معاصی شرعیه است که عقل درک قبح آن را نمی‌کند و فقط از طریق شرع حرمت آنها ثابت شده و بعد از ثبوت حرمت شرعیه عقل هم حکم به قبح آنها می‌کند. (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۱۰)

بررسی

آیه شریفه حکم کلی همه زشتی‌ها را بیان می‌فرماید و دلیلی برای قرار دادن آن در سلسله آیات تحریم شراب وجود ندارد.

آیه سوم: آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِنَّمَا هُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره / ۲۱۹) از نظر برخی از روایات اولین آیه‌ای است که در تحریم شراب نازل شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۰۶) حسن بصری می‌گوید: این آیه از دو نظر دلالت بر حرمت

شرب خمر دارد؛ یکی اینکه می‌فرماید: ضرر آن زیادتر از نفع آن است و اگر ضرر چیزی زیادتر از نفع آن شد عقل بر حرمت و ممنوعیت آن حکم می‌نماید. و دوم آنکه می‌فرماید: در شراب گناه است و در آیه دیگری «اثم» را حرام نموده و می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ». (اعراف / ۳۳) (طوسی، بی‌تا، ۲ / ۲۱۳)

آیه چهارم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ.» اگر آیه شریفه سکاری، نماز خواندن بعد از نوشیدن شراب را نهی کند، پس معلوم می‌شود آیه مورد بحث، قبل از آیه بقره نازل شده، مگر این که بگوییم نهی از نماز در حال مستی، کنایه از نماز خواندن در حال کسالت و چرت زدن باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۵۹)

ترتیب صحیح زنجیره آیات تحریم شراب

اولین آیه در تحریم شراب آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ» است. سپس آیه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَرْزَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» نازل شد، آنگاه آیه‌ای شدیدتر از آن نازل گردید که فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ». در این آیه شریفه علت تحریم شراب بیان گردیده و دستور اجتناب از آن آمده است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۶۶۸)

نسخ آیه سکر

آیا آیه «سکر» نسخ شده است؟

به عقیده برخی از مفسران آیه سکر نسخ شده است و در این که ناسخ آن کدام آیه است اختلاف نظر دارند. (خویی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۷۴) درباره نسخ آیه شریفه دو نظر وجود دارد:

۱. نسخ آیه سکر با آیه تحریم خمر

از قناده، مجاهد و حسن بصری نقل شده که این آیه با آیه تحریم خمر نسخ گردیده است، (جصاص، ۱۴۰۵: ۳ / ۱۶۵) گفته‌اند این آیه، مستی و خوردن شراب را تنها در حال نماز تحریم می‌کند، ولی آیه تحریم خمر، این حکم را نسخ نموده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۸۰) و حکم دیگری را جایگزین آن کرده است و آن این که حرمت خمر و مستی در تمام حالات ثابت است و به حال نماز اختصاص ندارد.

آیت الله خویی در پاسخ به این عقیده می‌نویسد: اولاً: این آیه به هیچ وجه دلالت بر جواز شراب خوردن در غیر حال نماز ندارد تا با آیه تحریم خمر نسخ گردد. ثانیاً: قبل از نزول این آیه، شراب حرام بود، پس چگونه می‌توان گفت که از این آیه جواز شراب خوردن استفاده می‌شد و با آیه دیگر نسخ گردیده است.

در این زمینه روایاتی آمده است که موید گفتار ما است؛ عبدالله بن عمر می‌گوید: در تحریم شراب، سه آیه نازل گردیده است، نخستین آیه این بود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا». (بقره / ۲۱۹)

ابومسیره نقل کرده است که چون آیه تحریم شراب نازل گردید، عمر بن خطاب گفت: خداوندا! حکم شراب را برای ما روشن‌تر از این بیان کن! آنگاه این آیه نازل گردید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره / ۲۱۹) این آیه برای عمر خوانده شد ولی او قانع نگردید و عرضه داشت: خداوندا! حکم شراب را روشن‌تر بیان کن! آنگاه این آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ» (نسا / ۴۳) از این روایات استفاده می‌شود که قبل از نزول آیه مورد بحث حکم حرمت خمر نازل گردیده بود و خود این آیه نیز در تعقیب همان حکم نازل شده است. به این دلایل است که گفتیم نظریه نسخ این آیه با آیه تحریم خمر بی‌اساس است. (خویی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۷۴)

بررسی

پاسخ اول آیت الله خویی به قایلین شبهه نسخ آیه سکاری تمام است، اما استناد ایشان به روایت ابومسیره محل تأمل است؛ زیرا حکم شراب در سوره بقره به مراتب روشن‌تر و گویاتر از بیان آیه سکاری است؛ زیرا گناه و حرام بودن خمر به صراحت بیان گردیده است، اما در آیه سکاری، تنها از نماز خواندن در حال مستی نهی شده است.

۲. نسخ آیه سکر با آیه وضو

گفته شده این آیه با آیه وضو نسخ گردیده است؛ زیرا تنها مست نبودن در حال نماز را شرط و لازم می‌داند و آیه وضو نازل گردیده، حکم آن را نسخ نمود و وضو را شرط صحت نماز قرار داد. (خویی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۷۶)

پاسخ: اساساً این آیه، نفیاً و اثباتاً با حکم وضو ارتباط ندارد تا با آن نسخ گردد، به عبارت دیگر آیه مورد بحث در این مقام است که نماز در حال مستی درست نیست، خواه این نماز با وضو

انجام بگیرد و یا بدون آن. آیه وضو هم در مقام بیان این است که وضو در نماز شرط و لازم است. با این توضیح روشن می‌شود که در میان این دو آیه کوچک‌ترین منافاتی وجود ندارد تا یکی ناسخ آن دیگری گردد. (همان)

بررسی شبهات پیرامون آیه

۱. چگونه ممکن است فرد مست را نهی کرد، با اینکه او در حالت مستی عقل ندارد؟
(الف) گاهی شخص مست است، ولی عقل خود را کاملاً از دست نداده و می‌توان او را امر و نهی کرد.

(ب) منظور این است که اشخاص در وقت نماز، خود را در معرض مستی قرار ندهند. (طوسی، بی تا: ۳ / ۲۰۶)

۲. این آیه دلالت بر جواز شرب خمر می‌کند؛ زیرا توسط آیات دیگر نسخ شده است.
پاسخ: الف) هیچ دلالتی بر جواز شرب ندارد بلکه منع نماز در حال مستی است.
(ب) حرمت شرب خمر در تمام شرایط بوده است و چیزی نیست که در زمانی حلال و سپس حرام گردد و سکر خود یکی از احداث است. (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۸۸)

۳. منظور از مستی در این آیه یک نوع مستی خفیفی است که غفلت به بار نیاورد، غفلتی که نتواند کوچک‌ترین توجهی به نماز داشته باشد؛ زیرا در این صورت تکلیفی متوجه او نیست تا خدا او را مورد تکلیف قرار دهد و از خواندن نماز در آن حالت منع و نهی کند، پس منظور از مستی در این آیه یک نوع مستی خفیف و جزئی است که مانع از توجه به تکلیف نباشد. این آیه چنین شخصی را از نماز خواندن در آن حالت سکر و مستی خفیف و جزئی منع می‌کند، در صورتی که به اتفاق فقها چنین شخصی مکلف به خواندن نماز است نه ممنوع از آن. بنابراین، حکم این آیه با آیه وضو نسخ گردیده است که شرط نماز را تنها وضو معرفی می‌کند نه عدم مستی.

پاسخ: این تصور بسیار بی‌اساس است؛ زیرا خود آیه مستی را با جمله «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» بیان می‌کند که منظور از آن، همان مرحله از مستی است که شخص با داشتن آن، درک و شعور خود را از دست بدهد.

تکلیفی که در این آیه شریفه به افراد مست متوجه است، با فقدان عقل و شعور منافات ندارد؛ زیرا انجام دادن نماز در چنین حالتی گرچه مقدور نیست، ولی فقدان این شعور چون با اختیار خود

مکلف حاصل شده، بدین جهت نهی و توجه دادن به تکلیف در این حال اشکالی ندارد؛ زیرا هر عملی که با اختیار خود انسان غیر قابل عمل باشد، از نظر عقل با صحت تکلیف و عقاب منافاتی ندارد. بنابراین هیچ‌گونه اشکال و مانعی نیست که چنین شخصی از چنان نمازی نهی شود و تکلیف به او متوجه شود و امثال این‌گونه تکلیف‌ها در شرع اسلام فراوان است و منظور از آن، بطلان نماز در حال مستی است. (خویی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۷۷)

نتیجه

در شأن نزول‌های وارده تهمت‌های بزرگی بر پیامبر اسلام ﷺ و صحابه جلیلی چون امیرمؤمنان علی رضی الله عنه و حمزه سیدالشهدا نسبت داده شده است. رسول گرامی اسلام ﷺ صاحب خلق عظیم است و هرگز قبل از حرام شدن شراب، اقدام به جاری کردن حد آن نکرده بود. بررسی تفسیر، مقام و زمان نزول تک تک آیات قرار داده شده در زنجیره تحریم شراب ما را به این نکته رهنمون می‌گرداند که قراردادن آیه سکاری در زنجیره آیات تحریم شراب، نوعی تکلف بوده و دلیل در خور توجهی برای آن وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر و دار صادر.
- بلاغی، محمد جواد، ۱۴۲۰ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ق، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، ۱۴۰۴ق، آیات الأحکام، تهران، نوید.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۵، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، خوی، انتشارات دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد خوی.

- رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت و دمشق، دار القلم و دار الشامیه.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الحصالی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۰۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعه العلمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۹، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

